



برداشت افراد سوءمصرف کننده‌ی مواد از الگوهای انضباطی والدین

دکتر محمدعلی گودرزی*، مینا زرنقاش**، مریم زرنقاش**

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف مقایسه‌ی برداشت افراد سوءمصرف کننده‌ی سیگار، تریاک و هرویین از شیوه‌های انضباطی والدین خود با افراد بهنجار انجام شده است.

روش: در این پژوهش به کمک یک شیوه‌ی گذشته‌نگر و مقایسه‌ای و با بهره‌گیری از پرسش‌نامه‌ی "محیط خانوادگی"، برداشت چهار گروه ۳۰ نفره از آزمودنی‌ها (سوءمصرف کنندگان سیگار، تریاک، هرویین و افراد بهنجار) از شیوه‌های انضباطی والدین خود مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها: بر اساس نتایج به دست آمده، هر سه گروه سوءمصرف کننده‌ی مواد در روش انضباطی والدین خود بیشتر از افراد بهنجار عامل‌های "خشم و خشونت" و "طرد" و کمتر "ابراز محبت" و "مشارکت دادن در امور زندگی" را یادآور شدند. گروه‌های سوءمصرف کننده‌ی تریاک و هرویین نمره‌ای کمتر از گروه بهنجار در خرده مقیاس "حمایت عاطفی" و بیشتر از گروه یادشده در خرده مقیاس "نادیده گرفتن فرزند" به والدین خود دادند. گروه سوءمصرف کننده‌ی هرویین نسبت به سایر گروه‌ها نمره‌ی کمتری در خرده مقیاس "انضباط ملایم" به والدین خود دادند. همچنین، یافته‌ها گویای آن بودند که الگوی انضباطی حاکم بر خانواده‌های افراد سوءمصرف کننده‌ی هرویین و تریاک روش خشونت‌آمیز و محدود کننده می‌باشد.

نتیجه: یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی ارتباط روش انضباطی والدین و سوءمصرف مواد در فرزندان می‌باشد.

کلیدواژه: اعتیاد، سوءمصرف مواد، الگوهای انضباط، محیط خانواده، پرسش‌نامه‌ی محیط خانوادگی

* دکترای روان‌شناسی بالینی، استادیار دانشگاه شیراز، شیراز، خیابان ارم، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، بخش روانشناسی بالینی (نویسنده مسئول).
E-mail: goodarzi@shirazu.ac.ir

** دانشجوی دوره‌ی کارشناسی روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز، شیراز، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، بخش روانشناسی بالینی.

بررسی‌های چندی نشان داده‌اند که خانواده‌های افراد مبتلا به سوء مصرف مواد نسبت به خانواده‌های افراد سالم انعطاف‌پذیری کمتری را در تصمیم‌گیری و حل کشمکش‌ها نشان می‌دهند (اسمارت^{۲۱} و چیبوکاس^{۲۲}، ۱۹۹۰؛ فریسن، ۱۹۸۳؛ بروک و همکاران، ۱۹۸۰؛ تک^{۲۳}، ۱۹۷۰). وجود انعطاف‌پذیری، آزادی بیشتری را برای ابراز هیجان‌ها و نگرانی‌ها فراهم می‌آورد و موجب گره‌گشایی و تصمیم‌گیری به‌شکلی آزادمنشانه در خانواده می‌شود.

چسین^{۲۴}، پرسن^{۲۵}، شرمن^{۲۶}، مونتلو^{۲۷} و مک‌گرو^{۲۸} (۱۹۸۶) احتمال کشیدن سیگار را در نوجوانانی که پدر و مادر آنها حمایت‌کننده بودند کمتر گزارش نمودند و این نوجوانان اگر کشیدن سیگار را آغاز کرده بودند، احتمال کمتری داشت که به آن ادامه دهند. نوجوانان مصرف‌کننده‌ی مواد در خانواده‌ی خود احساس بیگانگی می‌کنند (تولون^{۲۹} و درموت^{۳۰}، ۱۹۷۵؛ آدلر و لوتکا، ۱۹۷۳؛ وکسلر^{۳۱} و تام^{۳۲}، ۱۹۷۳) و پدران و مادران خود را خودخواه و غیرحمایت‌کننده می‌دانند (ریز^{۳۳} و ویلبرن^{۳۴}، ۱۹۸۳).

بروک، وایت‌من و گوردون^{۳۵} (۱۹۸۳) نشان دادند که سردی روابط عاطفی پدر و مادر با فرزندان و طرد آنها با مصرف مواد در فرزندان ارتباط دارد. بررسی‌های دیگر نیز نشان داده‌اند که نیرومندی ارتباط

روانشناسان بر این باورند که پدر و مادر نقش مهمی در فرآیند اجتماعی‌شدن کودکان دارند. پدر و مادر با رفتار و سبک زندگی خود، ارزش‌های فرهنگی، خانوادگی و الگوهای زندگی اجتماعی را به کودکان خود می‌آموزند. نظریه‌های یادگیری اجتماعی و اجتماعی‌شدن تأکید زیادی بر دخالت رفتارها و نگرش‌های خانوادگی در ایجاد مشکلات فرزندان دارند (شک^۱، ۱۹۹۷؛ وایت^۲، جانسون^۳ و بایسکی^۴، ۲۰۰۰).

بررسی‌ها نشان داده‌اند که بی‌تفاوتی پدر و مادر در پرورش کودکان، بی‌مهری، سرزنش کردن بیش از اندازه‌ی آنان، داشتن رفتار خشن، انضباط و نظارت ناهماهنگ و نبود ارتباط مناسب با فرزند از پیش‌بینی‌کننده‌های نیرومند رفتار نابهنجار کودکان است (وایت و همکاران، ۲۰۰۰).

بسیاری از نوجوانان مبتلا به سوء مصرف مواد گزارش نموده‌اند که محیط خانوادگی آنها دچار مشکل بوده (آدلر^۵ و لوتکا^۶، ۱۹۷۳) و روابط خانوادگی ضعیف نقش مهمی در گرایش آنها به سوء مصرف مواد داشته است (سوویادنی^۷، ۱۹۸۲). در همین ارتباط، متغیرهای گوناگونی از جمله چسبندگی^۸، انطباق‌پذیری^۹، دلبستگی^{۱۰}، مدت زمانی که اعضای خانواده با یکدیگر می‌گذرانند، میزان حمایت اجتماعی^{۱۱} و انضباط^{۱۲} مورد بررسی قرار گرفته است.

مراد از چسبندگی میزان گرمی، صمیمیت و حمایت افراد خانواده از یکدیگر است. بررسی‌ها نشان داده‌اند که نبود ادراک یک رابطه‌ی صمیمی و حمایت‌کننده از سوی خانواده با مصرف الکل یا مواد دیگر ارتباط دارد (لی^{۱۳}، ۱۹۸۳؛ استریت^{۱۴}، هالستد^{۱۵} و پاسکال^{۱۶}، ۱۹۷۴) و اگر برداشت فرد این باشد که پدر یا مادر از سایر اعضای خانواده جدا هستند، میزان مصرف مواد افزایش می‌یابد (فریسن^{۱۷}، ۱۹۸۳). به‌طور کلی، نزدیکی یا دوری بیش از اندازه‌ی اعضای خانواده از هم، با افزایش مصرف مواد ارتباط دارد (بروک^{۱۸}، لوکاف^{۱۹} و وایتمن^{۲۰}، ۱۹۸۰).

1- Shek	2- White
3- Johnson	4-Buyske
5- Adler	6- Lotecka
7- Svobodny	8- cohesiveness
9-adaptability	10-attachment
11-social support	12-discipline
13- Lee	14-Streit
15- Halsted	16- Pascale
17- Friesen	18- Brook
19- Lukoff	20- Whiteman
21- Smart	22- Chibucos
23- Tec	24- Chassin
25- Presson	26- Sherman
27- Montello	28- McGrew
29- Tolonc	30- Dermott
31- Wechsler	32- Thum
33- Rees	34- Wilborn
35- Gordon	

به طور کلی، به نظر می‌رسد که گونه‌ی ویژه‌ای از تعامل خانوادگی، سبب طرد نوجوانان از خانواده و روی آوردن به منابع تأمین‌کننده‌ی نیازهای آنها می‌شود. بررسی رابطه‌ی تعامل خانواده و مصرف مواد می‌تواند به‌عنوان یک عامل پیش‌گیری‌کننده در زمینه‌ی آموزش روش‌های تعامل با فرزند و شیوه‌های سالم‌تر ارتباط با فرزندان به‌کار گرفته شود.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از یک رویکرد گذشته‌نگر، الگوهای انضباطی افراد معتاد و غیرمعتاد را مقایسه نموده است. هدف آن بوده است که مشخص شود در خانواده‌های ایرانی کدام عوامل انضباطی با مصرف مواد ارتباط دارند و این الگوهای انضباطی چه تفاوت‌هایی با نتایج به دست آمده در کشورهای دیگر دارند.

روش

آزمودنی‌های این پژوهش را ۱۲۰ نفر تشکیل داده‌اند که در ۴ گروه ۳۰ نفری سوءمصرف‌کنندگان (۱) تریاک، (۲) هروین، (۳) سیگار و (۴) افراد سالم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سوءمصرف‌کنندگان تریاک و هروین از مراجعه‌کنندگان به مرکز خود معرف^{۱۷} معتادان سازمان بهزیستی شهرستان شیراز که در ماه‌های تابستان سال ۱۳۸۱ برای درمان اعتیاد به مواد مخدر مراجعه کرده بودند به صورت تصادفی انتخاب شدند. افراد سوءمصرف‌کننده‌ی سیگار نیز به صورت تصادفی از میان مغازه‌داران شهر شیراز انتخاب گردیدند. در این بررسی، افرادی به‌عنوان سوءمصرف‌کننده‌ی سیگار شناخته می‌شدند که هر روز دست‌کم ۱۰ نخ سیگار به

والد- کودک تأثیر چشم‌گیری بر میزان مصرف مواد توسط نوجوان دارد (بارنز^۱، ۱۹۸۴؛ مک‌کورد^۲، ۱۹۹۱؛ تک، ۱۹۷۰). ریردان^۳ و گریفینگ^۴ (۱۹۸۳) ارتباط مثبت پدر و مادر با فرزند را برای رشد یک خودپنداره‌ی^۵ نیرومند که بتواند از سوءمصرف مواد پیش‌گیری کند دارای اهمیت زیادی دانسته‌اند. پرخاشگری و خشونت در خانواده (پندینا^۶ و شوله^۷، ۱۹۸۳؛ استریت و همکاران، ۱۹۷۴)، برداشت‌های نادرست (هامبرگ^۸، کرامر^۹ و جانکی^{۱۰}، ۱۹۷۵؛ ریز و ویلبرن، ۱۹۸۳)، بی‌مهری (پندینا و شوله، ۱۹۸۳؛ استریت و همکاران، ۱۹۷۴)، نبود چسبندگی (آدلر و لوتکا، ۱۹۷۳؛ وکسلر و تام، ۱۹۷۳) و نبسود همکاری (گاتمن^{۱۱}، ۱۹۷۸؛ جوریج^{۱۲}، پولسون^{۱۳}، جوریج^{۱۴} و بیستس^{۱۵}، ۱۹۸۵) در این خانواده‌ها بیشتر گزارش شده است.

ریز و ویلبرن (۱۹۸۳) گزارش دادند که نوجوانان مصرف‌کننده‌ی مواد، پدران و مادران خود را سهل‌انگار، خودخواه، نامهربان و از سوی دیگر مداخله‌گر و کنترل‌کننده دانسته‌اند. شنبرگ^{۱۶} (۱۹۹۹) در بررسی ۸۳ نفر از والدین و ۱۱۳ نفر از کودکان سنین ۷ تا ۱۲ سال، والدین مصرف‌کننده‌ی مواد را بیشتر از والدینی که مواد مصرف نمی‌کرده‌اند، طردکننده، سرد و سهل‌انگار ارزیابی کرده‌اند.

بررسی‌های انجام شده در زمینه‌ی نوع انضباط در خانواده‌ی مصرف‌کنندگان مواد یافته‌های یکسانی را گزارش نکرده‌اند. برخی چشم‌پوشی زیاده از حد پدران و مادران و گروهی نیز کنترل فزاینده را در این خانواده‌ها گزارش نموده‌اند. جوریج و همکاران (۱۹۸۵) و ریز و ویلبرن (۱۹۸۳) دریافتند که برخی پدران و مادران نمی‌توانند قواعد و محدودیت‌هایی را برای رفتار فرزندان خود تعیین نمایند. برای نمونه، نوجوانانی که مواد مصرف می‌کنند، اغلب بیان کرده‌اند که والدین آنها با این کار مخالفت نکرده‌اند.

- | | |
|-------------------|---------------|
| 1- Barnes | 2- McCord |
| 3- Reardon | 4- Griffing |
| 5- self-concept | 6- Pandina |
| 7- Schuele | 8- Hamburg |
| 9- Kraemer | 10- Jahnke |
| 11- Gantman | 12- Jurich |
| 13- Polson | 14- Jurich |
| 15- Bates | 16- Schenberg |
| 17- self-referral | |

برای خرده مقیاس‌های آن به شرح زیر گزارش نموده است: کنترل ۰/۶۳، آزادی ۰/۷۴، گرمی ۰/۸۲، سردی ۰/۹۳. در همان بررسی ضریب پایایی کل پرسش‌نامه به کمک روش تنصیف ۰/۹۲ و به کمک روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ گزارش شده است.

برای بهره‌گیری از پرسش‌نامه‌ی "محیط خانوادگی" در پژوهش حاضر به آزمودنی‌ها گفته شد که برای پاسخ دادن به پرسش‌ها، تجربه‌های دوره‌ی کودکی، نوجوانی و جوانی خود را در محیط خانواده در نظر بگیرند و به هریک از پرسش‌ها پاسخ گویند. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهش حاضر به شرح زیر بود: کنترل ۰/۶۰، آزادی ۰/۷۵، گرمی ۰/۶۷، سردی ۰/۸۹ و کل ۰/۷۷. این ضریب‌ها به ضریب‌های به دست آمده در بررسی یعقوب‌خانی غیاثوند (۱۳۷۲) نزدیک است.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار سن، تحصیلات و تحصیلات پدر و مادر را برای چهار گروه مورد بررسی نشان می‌دهد. تحلیل واریانس یک سوبه نشان داد که میانگین سنی گروه‌ها از نظر آماری با یکدیگر تفاوت معنی‌دار ندارند. آزمون تعقیبی توکی^۱ نشان داد که تحصیلات و تحصیلات مادر در گروه بهنجار بالاتر از سایر گروه‌ها است ($F=11/55, df=3, p<0/001$). دو گروه از نظر میانگین تحصیلات پدر تفاوت معنی‌دار آماری با یکدیگر نداشتند.

میانگین نمره‌های گروه‌های مورد بررسی در ۱۸ خرده مقیاس آزمون محیط خانوادگی با استفاده از تحلیل واریانس مورد بررسی قرار گرفت. به منظور حذف اثر تحصیلات، این متغیر به عنوان متغیر کواریانس وارد تحلیل شد. یافته‌های این تحلیل نشان‌دهنده‌ی اثر معنی‌دار گروه بود ($F=2/29, p<0/001$).

مدت ۵ سال مصرف کرده بودند. دلیل به‌کارگیری این ملاک آن بود که افرادی به عنوان سوء مصرف کننده‌ی سیگار انتخاب شوند که واقعاً در این عنوان بگنجد و سیگار را به صورت تفنی مصرف نکنند. افسردگی بر اساس میانگین سنی سه گروه دیگر از میان مغازه‌داران شهر شیراز انتخاب شدند، به طوری که میانگین سنی این گروه‌ها با میانگین سنی گروه بهنجار تفاوتی نداشته باشد. در این بررسی امکان هم‌سازی سایر متغیرها مانند تحصیلات و طبقه‌ی اجتماعی وجود نداشته است.

پرسش‌نامه‌ها توسط دو نفر از پژوهشگران به تک‌تک آزمودنی‌ها ارائه شد و در مورد آزمودنی‌هایی که سواد کافی نداشتند، پرسش‌ها توسط پژوهشگران یادشده برای آنها خوانده شد.

برای بررسی الگوهای انضباطی، پرسش‌نامه‌ی "محیط خانوادگی" به کار گرفته شد. این پرسش‌نامه را نقاشیان (۱۳۵۸) با توجه به کارهای شیفتن^۱ (۱۹۶۵) و بامریند^۲ و بلک^۳ (۱۹۶۷) ساخته است. ۹۷ پرسش این پرسش‌نامه به منظور قضاوت در مورد روایی آن از نظر روشن بودن پرسش‌ها، مربوط بودن آنها به مفهوم مورد نظر (محیط خانوادگی) و قابل طرح بودن در مورد پدر و مادر در اختیار سه نفر از استادان روانشناسی قرار گرفت و ۷۷ پرسش آن مورد پذیرش آنان واقع شد. آزمودنی به هر یک از پرسش‌ها در یک مقیاس ۵ درجه‌ای (خیلی موافقم، موافقم، بی تفاوت، مخالفم و خیلی مخالفم) پاسخ می‌گویند. ترتیب نمره‌گذاری همه‌ی پرسش‌های پرسش‌نامه با یکدیگر یکسان نیست و برخی از آنها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

پرسش‌نامه‌ی "محیط خانوادگی" دارای ۱۸ خرده مقیاس می‌باشد و محیط خانوادگی را در دو بعد محبت-سردی و کنترل-آزادی می‌سنجد. پایایی پرسش‌نامه‌ی "محیط خانوادگی" در گروهی از دانش‌آموزان سال دوم و سوم راهنمایی با بهره‌گیری از روش تنصیف ۰/۸۷ گزارش شده است (نقاشیان، ۱۳۵۸). در بررسی دیگری، یعقوب‌خانی غیاثوند (۱۳۷۲) ضرایب آلفای کرونباخ را

1- Schafcen
3- Black

2- Baumrind

منفیر	گروه		بهنجار		هرویین		ترباک		سیگار	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
سن	۲۶/۵	۷/۰	۲۸/۵	۵/۳	۲۸/۹	۵/۳	۲۹/۰	۵/۳	۲۹/۰	۶/۰
تحصیلات	۱۲/۷	۳/۲	۸/۵	۳/۰	۸/۳	۳/۰	۱۰/۴	۲/۵	۱۰/۴	۴/۳
تحصیلات پدر	۷/۲	۵/۶	۳/۹	۴/۹۵	۴/۷	۴/۹۵	۵/۴	۴/۵	۵/۴	۵/۰
تحصیلات مادر	۷/۲	۴/۷	۳/۷	۴/۲	۳/۴	۴/۲	۴/۴	۳/۷	۴/۴	۴/۲

برای مقایسه‌ی الگوهای انضباطی در چهار گروه مورد بررسی به صورتی دقیق‌تر، داده‌های به دست آمده با روش تحلیل واریانس یک سویه مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این تحلیل‌ها برای عامل‌هایی که در گروه‌ها تفاوت معنی‌دار داشته‌اند، در جدول ۲ نشان داده شده است. آزمون لون برای همگنی واریانس‌ها، نشان داد که فرض تساوی واریانس‌های چهار گروه در همه‌ی خرده مقیاس‌ها پذیرفته می‌شود.

یافته‌های مربوط به عوامل معنی‌دار آزمون‌های تعقیبی توکی در خرده مقیاس‌های یاد شده نشان داد که در خرده مقیاس آزادی بیش از حد، نمرات گروه سوء مصرف کننده‌ی هرویین با گروه‌های بهنجار و سوء مصرف کننده‌ی سیگار تفاوت معنی‌دار آماری دارند. به بیان دیگر خانواده‌های افراد سوء مصرف کننده‌ی هرویین در مقایسه با خانواده‌های دو گروه دیگر آزادی کمتری را به فرزندان خود می‌دهند و از این رو کنترل بیشتری را بر آنها اعمال می‌کنند.

در خرده مقیاس انضباط ملایم، گروه سوء مصرف کننده‌ی هرویین نسبت به سه گروه دیگر نمرات کمتری را دریافت کرده‌اند. این یافته گویای آن است که خانواده‌های افراد سوء مصرف کننده‌ی هرویین انضباط سخت‌گیرانه‌تری را در مورد فرزندان خود اعمال می‌کنند.

در خرده مقیاس "دخالت بیش از حد"، نمرات گروه سوء مصرف کننده‌ی ترباک به طور چشم‌گیری بالاتر از گروه بهنجار بود. این یافته‌ی پژوهش نیز نشان‌دهنده‌ی

آن است که خانواده‌های افراد سوء مصرف کننده‌ی ترباک نسبت به خانواده‌های افراد بهنجار در امور فرزندان خود بیش از اندازه دخالت می‌کنند.

در خرده مقیاس "جهت‌دهی"، افراد گروه سوء مصرف کننده‌ی هرویین بیش از افراد گروه بهنجار به والدین خود نمره داده‌اند. به بیان دیگر والدین افراد سوء مصرف کننده‌ی هرویین کوشش بیشتری در تحمیل چشم‌داشت‌های خود به فرزندان‌شان داشته‌اند. در خرده مقیاس "حمایت عاطفی"، نمره‌های گروه‌های سوء مصرف کننده‌ی هرویین و ترباک به طور چشم‌گیری کمتر از گروه بهنجار می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی دریافت حمایت عاطفی کمتر این دو گروه از سوی خانواده است.

در خرده مقیاس "تأیید و ابراز نظر مثبت"، هر سه گروه سوء مصرف کننده کمتر از گروه بهنجار به والدین خود نمره داده‌اند که از نظر آماری معنی‌دار است. در خرده مقیاس "ابراز نظر منفی" افراد سوء مصرف کننده‌ی هرویین و ترباک بیش از افراد بهنجار و گروه سیگار به والدین خود نمره دادند. به بیان دیگر والدین سوء مصرف کننده‌ی هرویین و ترباک بیشتر از والدین افراد بهنجار و سوء مصرف کننده‌ی سیگار در مورد فرزندان خود به ابراز نظر منفی می‌پردازند.

در خرده مقیاس "مشارکت در امور"، نمرات سه گروه سوء مصرف کننده به طور چشم‌گیری کمتر از

I- Tukey's post hoc test
I- Levene Test for Homogeneity of Variances

سطح معنی‌داری	f	سیگار		تریاک		هرویین		بهنجار		گروه عامل
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۲	۳/۳	۵/۵	۱۶/۴	۶/۰	۱۴/۳	۵/۷	۱۲/۲	۶/۴	۱۶/۱	آزادی بیش از حد
۰/۰۳	۳	۲/۷	۶/۵	۲/۶	۵/۲	۲/۳	۴/۸	۲/۸	۶/۳	انضباط ملایم
۰/۰۲	۳/۲	۲/۶	۴/۶	۲/۳	۵/۷	۲/۰	۵/۵	۲/۹	۳/۹	دخالت بیش از حد
۰/۰۲	۳/۳	۲/۶	۱۰/۲	۲/۸	۱۱/۶	۲/۸	۱۱/۲۳	۳/۴	۹/۴۳	جهت دهی
۰/۰۳	۳/۱	۲/۴	۸/۴	۲/۱	۸/۰	۲/۶	۷/۹	۲/۰	۹/۶	حمایت عاطفی
۰/۰۰۱	۴/۶	۲/۲	۷/۸	۲/۳	۷/۴	۲/۸	۷/۵	۲/۰	۹/۴	مشارکت در امور
۰/۰۰۱	۶/۸	۳/۲	۱۳/۰	۳/۷	۱۲/۳	۳/۸	۱۱/۶	۳/۱	۱۵/۴	ابراز محبت
۰/۰۰۱	۱۶	۳/۱	۵/۲	۳/۱	۸/۲	۳/۳	۹/۳	۳/۵	۴/۲۳	ابراز نظر منفی
۰/۰۰۱	۱۲	۳/۴	۷/۰	۲/۲	۸/۱	۳/۳	۹/۶	۲/۸	۴/۵	خشم و عصبانیت
۰/۰۰۱	۱۳	۲/۷	۴/۶	۳/۷	۶/۸	۳/۵	۶/۵	۲/۷	۲/۳	طرد
۰/۰۰۱	۹/۲	۴/۳	۶/۰	۴/۳	۸/۹	۴/۸	۹/۵	۴/۶	۴/۲	نادیده گرفتن فرزند

در خرده مقیاس های " کنترل پرخاشجویی"، "کنترل از طریق احساس گناه"، "انضباط پیوسته یکسان"، "انتظار رفتارهای رشد یافته" و "ارتباط" تفاوت آماری معنی‌داری میان گروه‌های مورد بررسی دیده نشد.

بر اساس میانگین نمرات آزمودنی‌ها در ابعاد کنترل و محبت پرسش‌نامه‌ی محیط خانوادگی می‌توان چهار الگوی انضباطی به شرح زیر را مشخص نمود:
۱- کنترل زیاد- محبت زیاد، ۲- کنترل زیاد- محبت کم، ۳- کنترل کم- محبت کم و ۴- کنترل کم- محبت زیاد. مقایسه‌ی روش‌های انضباطی یادشده در گروه‌های مورد بررسی به کمک تحلیل واریانس چند متغیره انجام شد. برای حذف اثر تحصیلات، این متغیر به‌عنوان متغیر کوواریانس وارد تحلیل گردید. این تحلیل تفاوت معنی‌داری را میان چهار گروه در زمینه‌ی الگوهای انضباطی والدین نشان داد ($F=4/71, p<0/001$).

برای نمایش اثر یادشده، نخست نمره‌های آزمودنی‌ها در چهار مقیاس یادشده به نمره Z تبدیل شد و سپس میانگین نمره‌های هر گروه ترسیم گردید. همان‌گونه که در نمودار دیده می‌شود، محیط خانوادگی افراد سوءمصرف‌کننده‌ی هرویین کنترل

نمرات گروه بهنجار است و گویای آن است که در این گروه‌ها، والدین کمتر فرزندان خود را در امور خانواده مشارکت می‌دهند. در خرده مقیاس "ابراز محبت"، نمرات سه گروه سوءمصرف‌کننده به‌طور چشم‌گیری کمتر از نمرات گروه بهنجار است و نشان‌دهنده‌ی آن است که در این گروه‌ها والدین کمتر محبت خود را به فرزندان ابراز می‌کنند. در خرده مقیاس "خشم و عصبانیت" نیز نمرات سه گروه سوءمصرف‌کننده بیشتر از گروه بهنجار و گویای آن است که والدین این افراد در روش‌های تربیتی خود، خشم و عصبانیت بیش از اندازه ابراز می‌کنند. در خرده مقیاس "طرد"، نمره‌های سه گروه سوءمصرف‌کننده بالاتر از گروه بهنجار بوده است و نشان می‌دهد که والدین این افراد بیش از اندازه فرزندان خود را طرد می‌کنند. در خرده مقیاس "نادیده گرفتن فرزند"، نمره‌های دو گروه سوءمصرف‌کننده‌ی هرویین و تریاک بیشتر از گروه بهنجار و گویای آن بود که والدین این افراد بیشتر از معمول فرزندان خود را نادیده می‌گیرند. افراد سوءمصرف‌کننده‌ی سیگار در این زمینه تفاوت چشم‌گیری با افراد بهنجار ندارند.

والدین افراد بهنجار دانسته‌اند. در بررسی‌های دیگری نیز نوجوانان سوءمصرف‌کننده‌ی مواد، محیط خانوادگی خود را خشونت‌آمیز (پندینا و شوله، ۱۹۸۳؛ استریت و همکاران، ۱۹۷۴)، فاقد درک (هامبرگ و همکاران، ۱۹۷۵؛ ریز و ویلبرن، ۱۹۸۳)، دارای بی‌مهری (پندینا و شوله، ۱۹۸۳؛ استریت و همکاران، ۱۹۷۴)، بدون چسبندگی (آدلر و لوتکا، ۱۹۷۳؛ وکسلر و تام، ۱۹۷۳) و بدون همکاری (گاتمن، ۱۹۷۸) دانسته‌اند.

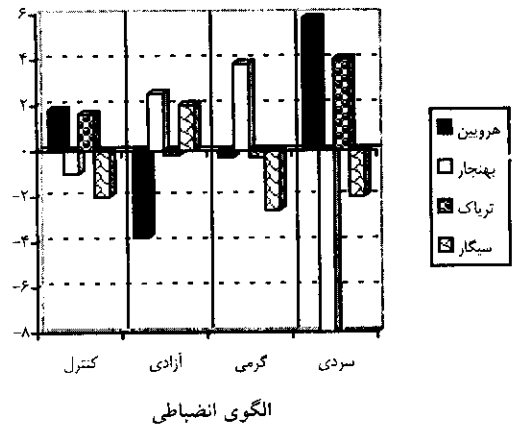
افراد سوءمصرف‌کننده‌ی هرویین در خرده مقیاس‌های "آزادی بیش از اندازه" و "انضباط ملایم" خانواده‌های خود را در سطحی پایین‌تر و از نظر "جهت‌دهی" در سطحی بالاتر از خانواده‌های افراد سوءمصرف‌کننده‌ی سیگار، سوءمصرف‌کننده‌ی تریاک و بهنجار ارزیابی کردند. به بیان دیگر خانواده‌های افراد گروه‌های سیگار، تریاک و بهنجار، آزادی بیشتری به فرزندان خود می‌دهند و کنترل کمتری را روی رفتار آنها دارند. این یافته‌ها با یافته‌های پندینا و شوله (۱۹۸۳) هم‌سو می‌باشد. پژوهشگران یادشده بر این باورند که نوجوانان سوءمصرف‌کننده‌ای که در خانواده‌های کنترل‌کننده رشد یافته‌اند، گرایش دارند که خود را بدون خودمختاری و استقلال بدانند. برحسب نتایج ریز و ویلبرن (۱۹۸۳) این نوجوانان والدین خود را "متخاصم، تصاحب‌کننده، حمایت‌کننده‌ی افراطی و کنترل‌کننده با ایجاد احساس گناه" توصیف کرده‌اند.

از سوی دیگر ریز و ویلبرن (۱۹۸۳) گزارش نموده‌اند که والدین افراد سوءمصرف‌کننده‌ی مواد برای اعمال مقررات و محدودیت‌هایی بر رفتار فرزندان خود توانایی لازم را ندارند.

افراد گروه‌های هرویین و تریاک کمتر از افراد گروه‌های سیگار و بهنجار خانواده‌های خود را از نظر عاطفی حمایت‌کننده دانستند و "ابراز نظر منفی" و "نادیده گرفتن فرزند" را توسط والدین خود بیشتر از افراد بهنجار ارزیابی کردند. افراد سوءمصرف‌کننده‌ی تریاک تنها در خرده مقیاس "دخالته بیش از حد"، والدین خود را بیشتر از افراد بهنجار، مداخله‌گر ارزیابی کردند.

کننده بوده و گرمی لازم را نداشته است. این الگو برخلاف محیط خانوادگی افراد بهنجار است که آزادگذارنده و سرشار از گرمی و محبت بوده است. محیط خانوادگی افراد سوءمصرف‌کننده‌ی تریاک نیز همانند محیط خانوادگی افراد گروه هرویین بوده است. محیط خانوادگی افراد سوءمصرف‌کننده‌ی سیگار شباهت چندانی با محیط خانوادگی افراد گروه‌های تریاک و هرویین نداشته، اما نسبت به محیط خانوادگی افراد بهنجار نیز از گرمی لازم برخوردار نبوده است.

نمودار ۱- میانگین نمره‌های چهار گروه مورد بررسی در الگوهای انضباطی براساس نمره‌ی Z



بحث

بررسی حاضر نشان داد که برداشت افراد سوءمصرف‌کننده‌ی هرویین، تریاک و سیگار از الگوهای انضباطی خانواده‌های خود در ویژگی‌های زیر با افراد غیرمعتاد تفاوت دارد: ابراز محبت، تأیید و ابراز نظر مثبت، خشم و عصبانیت، طرد، نادیده گرفتن فرزند و مشارکت دادن فرزند در امور خانواده. به بیان دیگر افراد سوءمصرف‌کننده‌ی هرویین، تریاک و سیگار میزان ابراز محبت، تأیید و ابراز نظر مثبت و درخواست همکاری در امور را توسط والدین خود کمتر از افراد بهنجار ارزیابی کرده‌اند و میزان خشم و عصبانیت، طرد و نادیده گرفتن فرزند را توسط والدین خود بیشتر از

Baumrind, D., & Black, A. E. (1967). Socialization practice associated with dimensions of competence in preschool boys and girls. *Child Development*, 38, 291-327.

Brook, J.S., Lukoff, I.F., & Whiteman, M. (1980). Initiation into adolescent marijuana use. *Journal of Genetic Psychology*, 137, 133-142.

Brook, J.S., Whiteman, M., & Gordon, A.S. (1983). Stages of drug use in adolescence: Personality, peer, and family correlates. *Developmental Psychology*, 19, 269-277.

Chassin, L., Presson, C., Sherman, S.J., Montello, D., & McGrew, J. (1986). Changes in peer and parent influence during adolescence: Longitudinal versus cross-sectional perspectives on smoking initiation. *Developmental Psychology*, 22, 327-334.

Cutter, H.S., & Fisher, J.D. (1980). Family experience and the motives for drinking. *International Journal of the Addictions*, 15, 335-358.

Friesen, V.I. (1983). The family in the etiology and treatment of drug abuse: Toward balanced perspective. *Advances in Alcoholism and Substance Abuse*, 2, 77-89.

Gantman, C.A. (1978). Family interaction patterns among families with normal, disturbed, and drug-abusing adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 7, 429-440.

Hamburg, B.A., Kracmer, H.C., & Jahnke, W. (1975). A hierarchy of drug use in adolescence: Behavioral and attitudinal correlates of substantial drug use. *American Journal of Psychiatry*, 132, 1155-1164.

1- Cutter

2- Fisher

این بررسی نشان داد که والدین افراد سوء مصرف کننده‌ی هرویین و تریاک بیشتر کنترل کننده هستند و کمتر محبت می‌کنند. این یافته با یافته‌های کاتر^۱ و فیشر^۲ (۱۹۸۰) مبنی بر مصرف پایین تر الکل و سایر مواد در خانواده‌هایی که در برابر استرس انعطاف پذیرتر هستند هم‌سویی دارد. هم‌چنین، با مجموعه‌ای از پژوهش‌ها که در آن نوجوانان سوء مصرف کننده‌ی مواد محیط خانواده‌ی خود را خشن، بدون درک و بدون صمیمیت و گرمی و حس هم‌کاری (پسندینا و شوله، ۱۹۸۳؛ گاتمن، ۱۹۷۸) توصیف کرده‌اند، هم‌سو می‌باشد. والدین پرخاشگر (سرد یا کم محبت) و محدودکننده (دارای کنترل زیاد) احساس کینه‌توزی شدیدی در فرزندان خود پدید می‌آورند، ولی به آنها اجازه‌ی بروز این احساس را نمی‌دهند. ترکیب عوامل کینه‌توزی و محدودیت ایجاد نفرت می‌کند که بخشی از آن به سوی خود فرد برمی‌گردد و ایجاد کشمکش و ناراحتی درونی می‌کند (عظیمی، ۱۳۶۳). چنین احساساتی ممکن است در گرایش فرد به سوی اعتیاد مؤثر باشد.

منابع

عظیمی، سیروس (۱۳۶۳). *روان‌شناسی کودک*. تهران: چاپ دهخدا.

نقاشیان، ذبیح ا... (۱۳۵۸). *رابطه‌ی محیط خانوادگی و موفقیت تحصیلی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.

یعقوب‌خانی غیاثوند، مرضیه (۱۳۷۲). *رابطه‌ی محیط خانواده و پیشرفت تحصیلی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.

Adler, P.T., & Lotecka, L. (1973). Drug use among high school students: Patterns and correlates. *International Journal of the Addictions*, 8, 537-547.

Barnes, G.M. (1984). Adolescent alcohol abuse and other problem behaviors: Their relationships and common parental influences. *Journal of Youth and Adolescence*, 13, 329-348.

- Jurich, A.P., Polson, C.J., Jurich, J.A., & Bates, R.A. (1985). Family factors in the lives of drug users and abusers. *Adolescence*, 20, 143-159.
- Lec, L. (1983). Drinking among rural youth: The dynamics of parental and peer influence. *International Journal of the Addictions*, 15, 61-75.
- McCord, J. (1991). Family relationships, juvenile delinquency, and adult criminality. *Criminology*, 29, 397-417.
- Pandina, R.J., & Schuele, J.A. (1983). Psychosocial correlates of alcohol and drug use of adolescent students and adolescents in treatment. *Journal of Studies on Alcohol*, 44, 950-973.
- Rcardon, B., & Griffing, P. (1983). Correlates of drug abuse in adolescents: A comparison of families of drug abusers with families of nondrug users. *Journal of Youth and Adolescence*, 12, 55-63.
- Rees, C.D., & Wilborn, B. L. (1983). Correlates of drug abuse in adolescents: A comparison of families of drug abusers with families of non-drug users. *Journal of Youth and Adolescence*, 12, 55-63.
- Schaefer, E.S. (1965). Children's reports of parental behavior: An inventory. *Child Development*, 36, 413-424.
- Shek, D.T.L. (1997). Family environment and adolescent psychological well-being, school adjustment, and problem behavior: A pioneer study in a Chinese context. *Journal of Genetic Psychology*, 158, 113-116.
- Shenberg, T.B. (1999). Children of substance abusers: The relationship of perceived parental rejection to child emotional functioning. *Dissertation Abstracts International. Section B: The Sciences & Engineering*, 59 (9-B), 5110.
- Smart, L.S., & Chibucos, T.R. (1990). Adolescent substance use and perceived family functioning. *Journal of Family Issues*, 11, 208-220.
- Steir, F., Santon, M.D., & Todd, T.C. (1982). Patterns of turn-taking and alliance formation in family communication. *Journal of Communication*, 32, 148-160.
- Streit, F., Halsted, D.L., & Pascale, P.J. (1974). Differences among youthful users and non-users of drug based on their perceptions of parental behaviors. *International Journal of the Addictions*, 9, 749-755.
- Svobodny, L.A. (1982). Biographical, self-concept, and educational factors among chemically dependent adolescents. *Adolescence*, 17, 847-853.
- Tec, N. (1970). Family differential involvement with marijuana: A study of suburban teenagers. *Journal of Marriage and the Family*, 32, 656-664.
- Tolone, W.L., & Dermott, D. (1975). Some correlates of drug use among high school youth in a mid-western rural community. *International Journal of the Addictions*, 10, 761-777.
- White, H.R., Johnson, V., & Buyske, S. (2000). Parental modeling and parenting behavior effects on offspring alcohol and cigarette use: A growth curve analysis. *Journal of Substance Abuse*, 12, 287-310.
- Wechsler, H., & Thum, D. (1973). Teenage drinking, drug use, and social correlates. *Quarterly Journal of Studies on Alcohol*, 34, 1220-1227.